

فراگیری و تحقیق مسلمانان در علم طب

* کتابهای طب ترجمه میشود .

* آغاز دوره تحقیق

* بکثرت نمونه از دانشمندان و پزشکان اسلام

* نقش دین در یک پزشک مسلمان

کتاب طب ترجمه میشود .

در قرن دوم و سوم هجری که دوره آشنایی ابتدایی مسلمانان با علوم بیگانه و فراگیری بود، کتابهای علمی بزبانهای یونانی و پهلوی و هندی به سرعت در بین مسلمین بهرین ترجمه میشد و مسلمانان با عشق و شوق فراوان باخذ و اقتباس سرگرم بودند .

علم طب پیش از سایر علوم مورد توجه مسلمین قرار گرفت و پس از گذراندن دوره کوتاهی خود دست به تحقیقات و تألیفات گرانبها و پراورزش زدند .

علت محقق شدیدن آنان باین علم علاوه بر احتیاج اهدیت و نا کیدی بود که از زبان پیشوایان دینی خود در یاد گرفتن علم طب شنیده بودند چه ؛ پیغمبر اسلام از آغازها بطور که مردم را به فرا گرفتن اصول عقائد و معارف الهیه اسلام و خلاصه علم دین و طب روحانی تشویق میکرد همچنان بخصوص به تحصیل طب پزشکی اهمیت فراوان میداد تا آنجا که علم ادیان و علم ابدان را در عرض هم قرار داد و هر دو را برای مسلمانان لازم دانست .

طب در بین مسلمین ابتدا بهمت پزشکان گندی شاپور پایه گذاری شد و سپس با ترجمه ها و تعلیمات دسته ای از طبیبان که از زبان یونانی اطلاعاتی داشتند و با کتب منقوله از یونانی بسیاری را برین در میآوردند ترقی و توضیح یافت .

در اینکه چگونه و چرا پزشکان ایرانی گندی شاپور همت بشر و توسعه کتابهای طب گماشتند ، میگویند منصور دومین خلیفه عباسی وقتی مبتلا به مرض مده شده و اشتهای بذار از دست داده بود تمام پزشکان دربار از همه عاجز شدند و تا آنجا رسیدن بجائی نرسید .

یک روز منصور پرسید آیا پزشک حاذقی می شناسید که بتواند مرا معالجه کند ؟ پزشکان گفتند در پس بیابانستان گندی شاپور بنام « جورهیس بن بختیشوع » طبیبی است ماهر و

ما کسی را بهتر از او سراغ نداریم جورجیس مسیحی بود و از پزشکان حاذق سریانی ، او در علم طب تألیفات مهمی داشت به سبب کاردانی و لیاقت رئیس بیمارستان کندی شاپور بزرگترین مدارس طب آن دروز شده بود .

منصور کسیرا بنزاد او فرستاد و احضارش کرد و بیماری خودش را برای او شرح داد جورجیس به معالجه پرداخت و پس از مدت کمی منصور بهبودی یافت .

خلیفه علاقه شدیدی نسبت باو پیدا کرد بطوریکه مانع بازگشتن او بکندی شاپور شد و از او خواست تا در بغداد بماند .

جورجیس در بغداد ماند چون بزبان های عربی ، سریانی ، فارسی ؛ یونانی آشنا بود در ایام اقامت در بغداد چند کتاب در طب بسریانی تألیف کرد و بعضی از کتاب های طب را از یونانی بسریبی ترجمه نمود .

آغاز دوره تحقیق

پس از گذشتن مدت محدود و کمی از ترجمه کتابها و اقتباس علوم غیر اسلامی مسلمانان و در مرحله تحقیق شدند کتابها نوشته و ابتکاراتی از خود نشان دادند که در تاریخ علم بسا اعجاب و عظمت از آن یاد میشود و مخصوصاً در رشته طب پزشکی توانی با اجتماع انسانی تحویل داده شد .

این ای صیبه در کتاب طبقات الاطباء ، یک جلد از کتاب خودش را بشرح اسلامی دانشمندان اسلام که در این رشته تألیفات داشته اند ؛ اختصاص داده است .

یک نمونه از دانشمندان و پزشکان اسلام

یکی از پزشکان مشهور اسلام و نمونه دانشمند مسلمان ؛ محمد بن زکریای رازی است که گاه علوم انسانی و مطالعات

به «طبیب المسلمین» یا جالینوس العرب لقب یافت .

رازی پزشکی عالیقدر و فیلسوفی معروف و ریاضی دانی ماهر بود ولی شهرت زیاد او در طب است میگویند در پنداره شل زگری داشته به کیمیا علاقه فراوان پیدا کرد و بیشتر اوقات شوره در بدست آوردن آن صرف میکرد و آزمایش های مختلف بر روی مواد گوناگون انجام میداد ؛ در همین آزمایشها و فعالیتها و تماس با گازها و بخارهای مختلف چشمش درم کرد و برای معالجه به طبیبی مراجعه نمود آن طبیب مبلغ بانصد اشرافی بعنوان حق مالکها از او گرفت و گنت کیمیا همین است نه عملیات خسته کننده تو ، این سخن در رازی سخت مؤثر شد و بفکر آموختن طب افتاد . و در حالیکه چهل سال از عمرش گذشته بود با جدیت و شور و شوق فراوان بفر گرفتن علم طب پرداخت و چنان جدیت و اهتمام از خود نشان داد که پس از چندی از همه

پزشکان بالا رفته و مرجع آنان گردید و در سال ۲۸۹ - ۲۹۵ هجری سمت ریاست پزشکان بغداد را بدست آورد برای نشان دادن قدر و عظمت رازی و مقدار خدمت او در طب دانشمندان تاریخ علم چنین میگویند ؛ « علم طب معدوم بود جالینوس آنرا بوجود آورد و زنده کرد ، ولی پراکنده بود محمد بن زکریای رازی آن را منظم نمود ، ناقص بود این سیمنا بدرجه کمالش رساند » رازی مدت ۵۰ سال در بغداد به مشغول طبابت اشتغال داشت و علاوه بر بکار بستن آنچه در کتب طبی دیگران دیده بود و آزمایش آنها از خود ابتکاراتی در معالجه داشت که همه آنها را در کتاب های خود جمع کرده است .

هنوز بسیاری از نظریات ابتکاری او در دنیا ارزش دارد و مورد استفاده قرار میگیرد و در شماره های بعدی ، کتابها و تحقیقات رازی را بتفصیل ذکر میکنیم .

نقش دین در یک پزشک مسلمان

در اینجا توجه باین نکته لازم است که پس از انتقال علوم بیگانه بکشورهای اسلامی و آشنای مسلمان با آن علوم ، روح اسلام در تمام مظاهر علمی و تمدن آنان تجلی کرد و دوی نیروی عظیم معنوی و مادی با هم آمیخته شد و این اصل کلی که « همه چیز برای خدا » در فعالیت های دانشمندان مسلمان بخوبی آشکار بود .

پزشکان مسلمان به پیروی از این اصل ، خدمت گزار اجتماع و فروتن و مهربان بودند و با پیروان مکتب مادیت که همه چیز و همه کس را تنها برای جمع ثروت و تأمین وسائل عیاشی و خود کامی میخواستند فرق نمایانی داشتند .

داشته بزرگه اسلام ؛ رازی با تمام عظمت و مقامی که دارد نسبت به بیماران مهربان بود و چنانچه این را بطور رایگان معالجه میکرد ، و از مال خود غذا و دارو میداد و اگر منزل نداشتند پناهگاه خود میداد .

داستان های زیادی از زندگی رازی در دست است که معرف فضائل اخلاقی و عظمت روحی این پزشک عالیقدر اسلامی است و برای نمونه بیکی از آنها اشاره می شود ؛

میگویند روزی از کوچه های میگذرد شخصی را می بیند که بیوش افتاده است و مردم خیال میکنند که او مرده است رازی بداند معاینه فوری دستور میدهد که چوب حاضر کرده و بر تمام بدن او و بخصوص کف پایش سخت بززند در حالیکه مردم مشغول زدن بودند بیمار چشم باز کرد و بشند بچ حال آمد ، و با اینکه او در نظر مردم مردای رازنده کرده بود و قتی که خلیفه او را خواست و این معالجه او را که شبیه اعجاز بود ، شنود او در جواب گفت که این نحو معالجه را من دیده ام که بدویها میکنند و کامیاب میشوند و طلب مهمی نیست ، تنها هنر من در اینجا این بود که دانستم این شخص هم همان بیماری مبتلا شده است ، بنا بر این ؛ اقتضای آنها است ،